گزارش «جوان» از مجاهدت در رزق حلال و عاقبت بخیری در سیره شهدا

# شهدایی که با مشاغل ساده به اوج معرفت رسیدند

شهید برونسی، سمت راست، در دفاع مقدس

**احمد محمد تبریزی**

**یک خانواده سالم بر پایه رزق حلال بنیادش گذاشته می‌شود و باید در هر مرحله زندگی توجه زیادی به کسب روزی کرد. مردان خانواده مسئولیت تأمین معاش خانه را برعهده دارند و با پشتکار و تلاش باید زندگی و آتیه خانواده‌شان را بسازند. کار کردن و کسب روزی حلال در دین و فرهنگ ما اهمیت بسیار زیادی دارد و همواره انسان را به کار و تلاش تشویق کرده‌اند. به همین دلیل از قدیم‌الایام پرهیز از تنبلی و تن‌پروری و داشتن شغل و تلاش برای کسب روزی در جامعه ایرانی بسیار مهم بوده و تأکید و توجه زیادی به آن شده است.**

**سادگی نگاه دهه ۶۰**

در سال‌های نه چندان دور، جامعه ایران نگاه ساده‌تری به مسائل دنیوی داشت و از پیچیدگی‌های عجیب و غریب زندگی مردم به دور بود. سال‌های دهه ۶۰ بهترین مثال برای سبک زندگی ساده، صمیمی و لبریز از مهر و محبت مردم بود. در آن سال‌ها مردم از زرق و برق‌های دنیا به دور بودند و اصلی‌ترین هدفشان نیز کسب رضایت خدا و خشنودی همنوع بود. همین نگاه زیبا پایه و اساس زندگی‌ها را تشکیل می‌داد و با وجود تمام سختی‌ها با خود آرامش به همراه می‌آورد.

در دهه ۶۰ نگاه جامعه به شغل و کار کردن مانند امروز وابسته به نظر و نگاه دیگران نبود و همین که مردی با تمام وجود برای تأمین معاش خانواده‌اش تلاش می‌کرد از اهمیت زیادی برخوردار بود. خانواده‌ها نیز هنگام تشکیل زندگی مشترک جوانان، خیلی روی جنبه‌های ظاهری شغل مرد ریز نمی‌شدند و وقتی متوجه می‌شدند آن مرد جنم و غیرت کار کردن دارد، با خیال آسوده رضایت به ازدواج می‌دادند.

**تغییر نگرش جامعه**

اما متأسفانه تغییر و تحولات اجتماعی چند سال اخیر، نگاه اکثریت جامعه را به شغل و کسب درآمد تغییر داده است. در جامعه سنتی گذشته، غیرتی و کاری بودن مرد مهم‌ترین ویژگی او برای تأمین معاش خانواده به شمار می‌رفت و می‌شد مسئولیت یک خانواده را با خیال راحت به او سپرد، ولی امروز مسائلی چون شأن اجتماعی در رابطه با شغل مردان مطرح می‌شود تا زحمت و تلاش مرد را تحت‌الشعاع قرار دهد. همین نگاه‌های اشتباه سبب شده تا بعضی مشاغل به چشم افراد جامعه نیاید در حالی که بسیاری از اقشار جامعه روزی‌شان را از این شغل‌ها تأمین می‌کنند.

در چند ساله اخیر، بعضی ارزش‌ها دستخوش تغییر و تحولات زیادی شده و داشتن شغل نیز یکی از این موارد است. سوق پیدا کردن جامعه به سمت مادیات و مادی‌گرا شدن مردم، باعث شده تا ظواهر بی‌ارزش دنیوی در کانون توجهات قرار بگیرد. اگر در قدیم، کسب روزی حلال مهم‌ترین ویژگی شغل یک مرد به شمار می‌رفت، امروز داشتن شأن اجتماعی و نگاهی که دیگران به آن شغل دارند از اهمیت زیادی برخوردار است و اگر شغلی در نظر اکثریت مردم، شأنیت نداشته باشد، جزو شغل‌های مناسب به حساب نمی‌آید. این نگرش و نگاه اشتباه در این سال‌ها آسیب‌های زیادی به جوانان زده و آنها را از نگاهی عمیق به زندگی دور کرده است.

**شغل شهدا**

چندی پیش کلیپی قابل تأمل در فضای مجازی منتشر شد که بسیار هوشمندانه ما را متوجه همین موضوع مهم کرد. در این کلیپ، شخصی از پشت دوربین از خانم‌ها می‌پرسد با پسری که شغلی مثل ضایعاتی، فلافل‌فروشی، بنا و راننده وانت داشته باشد، ازدواج می‌کنید یا خیر و نکته جالب اینجاست که بیشتر خانم‌ها پاسخ‌هایی منفی می‌دهند و می‌گویند حاضر نیستند با کسی که چنین شغل‌هایی دارد، ازدواج کنند.

این کلیپ از جایی که به آنها گفته می‌شد شهدای گرانقدر دفاع مقدس و مدافع حرم چنین شغل‌هایی داشته‌اند، جالب می‌شود و تازه آنجا خانم‌ها متوجه نگاه اشتباه‌شان می‌شوند. در کلیپ گفته می‌شود که شغل شهید قاضی‌خانی جمع‌آوری ضایعات، شغل شهید ذوالفقاری فروش فلافل، شغل شهید رضا حسینی راننده وانت و شغل شهید برونسی بنایی بوده است. گفتن همین نکته که این شهدای بزرگ چنین شغل‌هایی داشته‌اند مثل یک شوک عمل می‌کند و آنها را به تأمل و تفکر وا می‌دارد.

این یادآوری ظریف و زیبا با خنده‌ای تلخ از سوی خانم‌ها مواجه می‌شود و تمام آنها با دانستن چنین موضوعی اذعان می‌کنند که نظرشان عوض شده و دیگر نگاه قبل را ندارند. تمام آنها از فهمیدن اینکه شخصیت‌های بزرگی مثل شهدای کشورمان چنین شغل‌هایی داشته‌اند شوکه می‌شوند و می‌گویند کار کردن عار نیست و داشتن شخصیت، ایمان و آوردن نان حلال مهم‌ترین مسئله در زندگی است. این کلیپ یک کار فرهنگی زیباست که بدون کوچک‌ترین بی‌احترامی یا لحن زننده‌ای ما را متوجه موضوعی بسیار مهم و اساسی در زندگی می‌کند. پس از تماشای این کلیپ، ما بیشتر بر آن شدیم تا از معیارهای شهدا برای انتخاب شغل و کار کردن بدانیم و ببینیم کار در نظر آنها چه ویژگی‌هایی داشته است. قطعاً توجه به سیره شهدا می‌تواند نگاه ما را به خیلی از مسائل شخصی و اجتماعی اصلاح کند و جلوی بسیاری از آسیب‌ها را بگیرد.

> شهید هادی ذوالفقاری جوانی پرکار و غیرتی بود و با همان شغل ساده‌اش از خدا می‌خواست همیشه جیبش پر پول باشد تا گره از مشکلات مردم بگشاید. دوستان و نزدیکانش دقیقاً چنین شخصیتی را در شهید هادی ذوالفقاری می‌دیدند. او ابراهیم هادی را الگوی خود قرار داده بود و دقیقاً پا جای پای ابراهیم می‌گذاشت

**رسیدن به اوج معرفت**

شهید عبدالحسین برونسی از سرداران شهید خراسان رضوی است که روز ۲۵ اسفند ۱۳۶۳ و در حالی که مسئولیت فرماندهی تیپ ۱۸ جوادالائمه(ع) را بر عهده داشت در عملیات بدر و شرق دجله به شهادت رسید. شهید برونسی از شهدای بزرگ دفاع مقدس به شمار می‌رود و ایمان، اعتقاد و درستی ایشان مثال‌زدنی است. زمانی که شهید برونسی از روستا به شهر مشهد می‌آید، چون حرفه‌ای بلد نبوده در یک ماست بندی کارش را شروع می‌کند و سپس وارد شغل بنایی می‌شود. شهید برونسی با تلاش و پول حلالی که از کارش به دست می‌آورد، زندگی‌اش را به مرور می‌سازد و به اوج معرفت می‌رسد.

شهید هادی ذوالفقاری جوانی پرکار و غیرتی بود و با همان شغل ساده‌اش از خدا می‌خواست همیشه جیبش پر پول باشد تا گره از مشکلات مردم بگشاید. دوستان و نزدیکانش دقیقاً چنین شخصیتی را در شهید هادی ذوالفقاری می‌دیدند.

> شهید برونسی از شهدای بزرگ دفاع مقدس به شمار می‌رود و ایمان، اعتقاد و درستی ایشان مثال‌زدنی است. زمانی که شهید برونسی از روستا به شهر مشهد می‌آید، چون حرفه‌ای بلد نبوده در یک ماست بندی کارش را شروع می‌کند و سپس وارد شغل بنایی می‌شود. شهید برونسی با تلاش و پول حلالی که از کارش به دست می‌آورد، زندگی‌اش را به مرور می‌سازد و به اوج معرفت می‌رسد

امام حسین(ع) لشکر ۴۱ ثارالله از باغداران شهر بود و یکی از روزها مادرش مریض می‌شود و از کارفرمایش اجازه می‌خواهد تا مادرش را نزد دکتر ببرد. او قبل از ترک محل کارش به کارفرمایش تأکید می‌کند که بعداً این چند ساعت را جبران خواهم کرد.

حاج یونس فردای آن روز زودتر از همیشه در محل کارش حاضر می‌شود و آن چند ساعت غیبتش را جبران می‌کند. ایشان با اینکه می‌دانست کارفرمایش آن موقع سر کار نیست و چیزی هم به او نمی‌گوید اما برایش مهم بود که آن چند ساعت را جبران کند. شهید زنگی‌آبادی با همین رفتارهای خداپسندانه‌اش توانست بین مردم روستا و شهر آبروی زیادی جمع کند و امین آنها شود.

**کسب روزی حلال**

شهید بسیجی «علی انوشه» در ۱۸ سالگی در منطقه سومار توسط نیروهای بعثی به شهادت رسید. شهید انوشه به حلال و حرام بسیار معتقد بود و خیلی این جمله را تکرار می‌کرد: «نان حرام، انسان را بداخلاق و بدرفتار می‌کند. اگر رزق و روزی، از راه درستکاری به دست نیاید، حرام است.» پدر شهید در خاطره‌ای از فرزندش می‌گوید: «آن روزها به دلیل وضع بد مالی، در خانه‌های مردم کارگری می‌کردم. دوست داشتم علی درس بخواند، اما علی فهمیده‌تر از آن بود که اوقات فراغت و تعطیلاتش را بیهوده تلف کند. علی همراه با من کار می‌کرد و دستمزد آن را که در آن زمان خیلی ناچیز بود، به من می‌داد.»

شهید نادر شیری در دوران نوجوانی در کارگاه کاغذسازی کار می‌کرد و تمام تلاشش بر این بود تا در کارش کم نگذارد و وقتش را سر کار بیهوده تلف کند. شهید شیری در وصیتنامه‌اش به زیبایی می‌نویسد: «اگر بچه خوب تحویل جامعه دهی آنقدر ارزش دارد که نمی‌شود آن را توصیف کرد و به اندازه عالم ارزش دارد. سعادت جامعه به تربیت فرزند بستگی دارد، شما با دستی گهواره بچه‌هایتان را تکان می‌دهید و با دست دیگر سرنوشت جهان بشریت را قلم می‌زنید.»

آوردن نمونه‌ها و مثال‌هایی از شغل‌های ساده شهدا و اعتقادشان به رزق حلال بسیار است. بسیاری از شهدای دفاع مقدس و مدافع حرم شغل‌هایی ساده داشتند و معاش خانواده‌شان را با عرق جبین تأمین می‌کردند. آنها به خوبی نشان دادند فریفته نشدن به ظواهر دنیا در زندگی اهمیت زیادی دارد و برای مردان رعایت حق‌الناس و روزی حلال از اهمیت برخوردار است. شهدا با تمام وجود خودشان را وقف کارشان می‌کردند و جز به نان حلال به چیز دیگری فکر نمی‌کردند. آنها از همین شغل‌های ساده، خودسازی‌شان را شروع کردند و پله پله به رفیع‌ترین مرتبه‌های انسانیت که رضایت الهی را نیز در پی داشت، رسیدند.

شهید هادی ذوالفقاری

یادکرد

چهره شهید احمد ملایی جوان در کنار قاب قاب از پدر

راز شهید احمد ملایی در هدف‌گیری دقیق چه بود؟

## آیه‌ای که به کمک تک‌تیرانداز جوان جبهه‌ها می‌آمد

**آرمان شریف**

**با تمرکز و توجه به زندگی و سیره شهدا، نکات جالبی مورد توجه قرار می‌گیرد. هر شهیدی با توجه به استعداد و مهارتش در جبهه‌ها نقش‌آفرینی می‌کرد. شهید احمد ملایی نیز یکی از شهدایی بود که با وجود سن پایینش، شجاعت و مهارت بالایی در نبرد با دشمن داشت و حضورش در مناطق عملیاتی بسیار گره‌گشا بود.**

شهید ملایی در ۲۵ مهر ۱۳۴۵ در تهران به دنیا آمد و از همان دوران کودکی انس زیادی با قرآن و اهل بیت(ع) پیدا کرد و در جلسات قرآن استادان مختلفی شرکت می‌کرد. پدر شهید قاری و مداح بود و به خوبی پسرش را نیز با این مسیر آشنا کرد. با اینکه پیشه پدر آهنگری بود و او با سختی برای خانواده رزق و روزی حلال تهیه می‌کرد ولی او هیچ‌گاه از قرآن و اهل‌بیت(ع) فاصله نگرفت و همواره در مسیرشان حرکت کرد. نان زحمتکشی و حلال پدر و تلاش برای تربیت قرآنی فرزندان، احمد را در مسیر ایمان و شهادت قرار داد و عاقبت بخیر کرد.

با شروع جنگ تحمیلی احمد ۱۴ ساله بود و با رفتنش به جبهه مخالفت می‌شد. تلاش‌های او برای اعزام بی‌نتیجه ماند تا او دو سال بعد و در ۱۶ سالگی به هر قیمتی بود پدرش را برای رفتن راضی کرد و در نهایت موفق شد به جبهه برود. اوایل حضورش در منطقه، به دلیل سن کمش، او را زیاد جدی نمی‌گرفتند اما چندی که گذشت همرزمان و فرماندهان متوجه استعداد این نوجوان در تیراندازی شدند. از این رو در مدت کوتاهی به عنوان تک‌تیرانداز انتخاب شد و یک اسلحه قناسه تحویل گرفت. مهارتش در تیراندازی به حدی بود که کمترین خطا را در هدفگیری داشت و در مدت کم حضورش در جبهه در میدان‌های سختی شرکت کرد و مؤثر بود.

به گفته دوستان و همرزمان شهید یک بار که احمد به مرخصی آمده بود از او درباره کارش در جبهه سؤال کردند که او گفت: «در منطقه یک اسلحه قناسه به من تحویل داده‌اند و باید با آن اهداف را با دقت نشانه‌گیری کنم و بزنم. از او پرسیدم چگونه اهداف را با دقت می‌زنی؟ گفت هر گاه که می‌خواهم هدفی را بزنم که فاصله‌اش دور و نشانه گرفتنش سخت است آیه شریفه «... وَ مَا رَمَیتَ إِذْ رَمَیتَ وَلَکنَّ اللهَ رَمَی...» را می‌خوانم و شلیک می‌کنم. جالب است اینگونه همه تیرهایم درست و دقیق به هدف می‌خورد.»

> با شروع جنگ تحمیلی احمد ۱۴ساله بود و با رفتنش به جبهه مخالفت می‌شد. تلاش‌های او برای اعزام بی‌نتیجه ماند تا او دو سال بعد و در ۱۶سالگی به هر قیمتی بود پدرش را برای رفتن راضی کرد و در نهایت موفق شد به جبهه برود

حضور احمد در جبهه خیلی به درازا نکشید. روح مشتاق او، خیلی زود به سوی معبود پر کشید تا یکی از بندگان خاص خدا در اوج جوانی آسمانی شود. احمد صوت زیبایی داشت و قرآن را به زیبایی و با رعایت نکاتش می‌خواند. شهید ملایی به طور منظم در جلسات قرآن شرکت می‌کرد و زمانی که دوستانش متوجه غیبتش شدند و دلیلش را از پدرش پرسیدند، ایشان پاسخ داد که احمد به جبهه رفته است و دو ماه بعد خبر شهادت او در تمام محل پیچید.

شهید احمد ملایی در سال ۱۳۶۲ در جریان عملیات والفجر ۴ برای نجات یکی از همرزمانش که گلوله خورده بود خاکریز را ترک می‌کند که بلافاصله از ناحیه هر دو پا مورد اصابت گلوله دشمن قرار می‌گیرد و به شهادت می‌رسد. برادر شهید لحظه شنیدن خبر شهادت احمد را اینگونه توصیف می‌کند: «هنگامی که او شهید شد همه ما اضطراب عجیبی داشتیم، البته نمی‌دانستیم احمد شهید شده است. آن روز خواهرم به ما گفت پسر همسایه شهید شده و این حرف اضطراب ما را بیشتر کرد. من طاقت نیاوردم و به بهانه خرید نان از خانه بیرون رفتم. از شدت ناراحتی جلوی نانوایی روی زمین نشستم که در همین حال پدرم را دیدم که جلو آمد و خبر شهادت احمد را به من داد.

پدرم علاقه زیادی به احمد داشت و شهادتش او را بسیار ناراحت کرد اما صبر موضوعی بود که پدر در مواجهه با این داغ در پیش گرفت و همواره شاکر خداوند بود که فرزندش به درجه رفیع شهادت نائل شده است. او طی این سال‌ها همیشه برای احمد قرآن می‌خواند و در همه مراسم‌هایی که برای برادر شهیدم برگزار می‌کردیم پدرم خودش هم روضه می‌خواند و هم قرآن تلاوت می‌کرد.»

جدول

طراح: علیرضا سجادی فر ■ شماره ۶۳۳۱

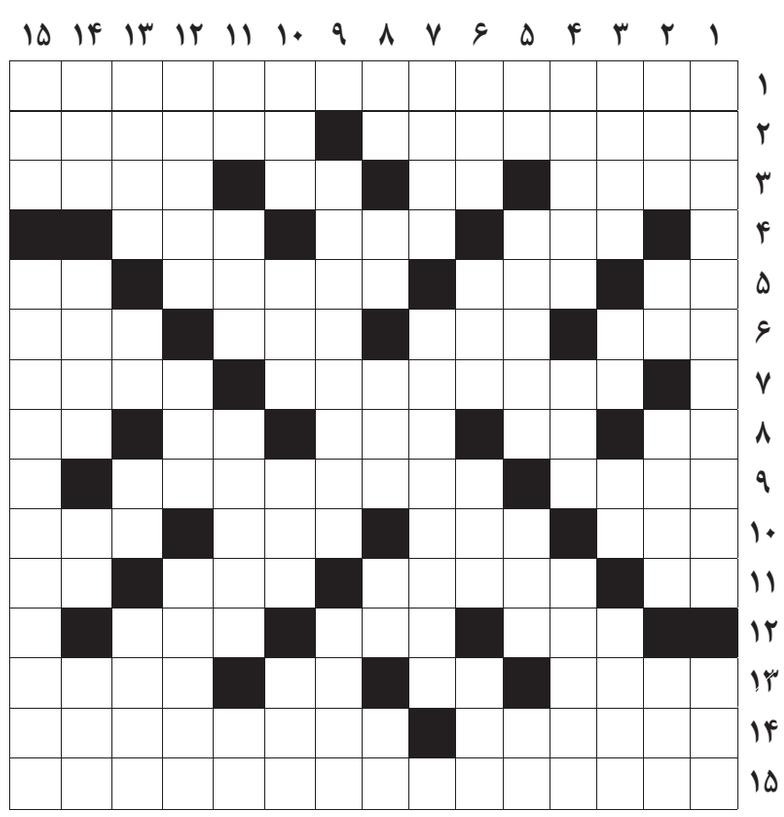

### از راست به چپ

■۱- میلاد با سعادت قطب عالم امکان خاتم‌النبیین بر مسلمانان جهان مبارک باد ■۲- سفارش امام علی در شیوه زندگی- از مواد دوچرخه‌سواری ■۳- سرگرد قدیمی- بخیه درشت- ترش و شیرین- صحرایی در مصر ■۴- گوسفند قربانی- دیدار- صلیب ■۵- چاشنی سالاد- سرسرا- پرنده‌ای شکاری از نوع باز- موضوع ■۶- نام پاسکال، مخترع ماشین حساب- کمان- معدن- جرقه آتش ■۷- زیست بوم- از بیماری‌های پوستی ■۸- قورباغه- مترادف چاق- تیراندازی کردن- ناراست- بخار دهان ■۹- درخت بادام تلخ- کاروان شادی ■۱۰- جریان آب روان طبیعی- دختر انگلیسی- شکایت- شهرت نیکو ■۱۱- مساوی- کمبود آن موجب پوکی استخوان می‌شود- حیرت- نت میانی ■۱۲- برف آذری- میان‌برنامه- به‌جز ■۱۳- سرشماری- رود آرام- بوییدن- منسوب به ارز ■۱۴- سرزمین رستم- بندری در کانادا ■۱۵- این سخن سردار دل‌ها حالا به یک شعار ملی و دینی تبدیل شده است

### از بالا به پایین

■۱- حسین آقا ممتحنی نام اصلی این شاعر فقید کشورمان است- نام ■۲- نور- پل چوبی- نیم میلیون- نهی شاعرانه از آمدن ■۳- فَلَمّا ... زُلْفَةً سِیئَتْ وُجُوهُ الَّذِینَ کَفَرُوا- به دنیا آوردن- نیا- فرزند شهید امام حسن مجتبی در کربلا ■۴- سرش را ببرید تا نرده شود- تن‌پوش آخرت- کمپانی ■۵- خوشا! مرحبا!- نوعی سنگ قیمتی- دروازه‌بان- همراه آشغال ■۶- عمارت حکومتی- نثر- جزیره زادگاه ناپلئون- قله زاگرس ■۷- دالانه- کشوری در غرب آفریقا ■۸- شراب- یونجه- افسانه- صابون خیاطی- علامت جمع ■۹- بازاریابی- از اجداد پیامبر ■۱۰- با گوشهٔ چشم اشاره کردن- حرف عصا- درختی خاردار شبیه ترنج- نمک ■۱۱- اسم آذری- لقب رئیس قبیله- پایه‌های استوار زمین- تصدیق انگلیسی ■۱۲- ماه هفتم از ماه‌های رومیان- پرسش از مکان- جبران مافات ■۱۳- مدرسه عشق- تردید- دزد- شهری نزدیک کاشان ■۱۴- ذره باردار- پارچه ابریشمین- پهلوان- پاک و از القاب امام حسین(ع) ■۱۵- مادر آذری- سوداگری و تجارت‌گرایی انحصاری

### جدول سودوکو

ارقام ۱ تا ۹ را طوری قرار دهید که در هر ردیف، ستون و مربع‌های کوچک سه در سه فقط یک بار به کار روند.

| | | | | | | | | |
|---|---|---|---|---|---|---|---|---|
| | ۷ | | | | ۳ | ۴ | | ۵ |
| | ۴ | | | | ۸ | | | ۳ |
| ۹ | | | | | ۷ | | | |
| ۶ | | ۱ | | | | | | |
| | | | | | | ۵ | ۶ | ۹ |
| | | | ۳ | ۸ | | | | |
| | | ۸ | | ۱ | | | | |
| | | | | | | ۶ | ۷ | |
| | | | ۴ | ۷ | | ۹ | | |

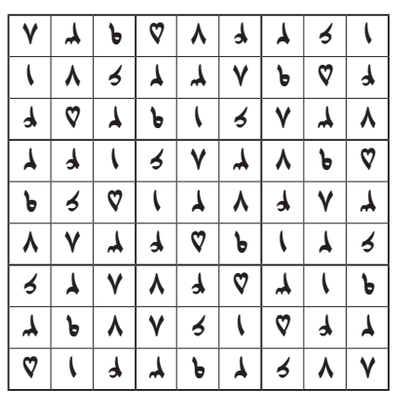

### جدول کلمات متقاطع
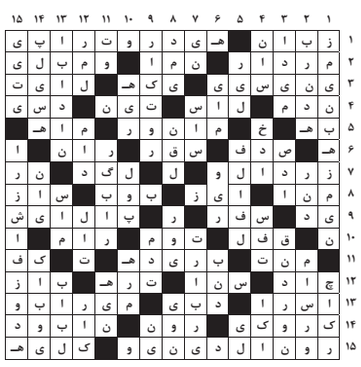
پاسخ جدول شماره ۶۳۳۰